نبرد مجلسی‌ها با رزم آرا

با بر کنار شدن منصور، قرعه به نام «علی رزم آرا» افتاد؛ مردی که با مخالفت سرسختانه خود با ملی شدن صنعت نفت، راه ملی شدن نفت در ایران را ناخواسته هموارتر از هر زمان دیگری کرد؛ اما رزم آرا که بود و چه سوابقی داشت؟ در کتاب «بازیگران عصر پهلوی» درباره او آمده است: «رزم آرا در سال ۱۲۸۰ در تهران به دنیا آمد. بعد از سپری کردن دوران تحصیل خود در مدرسه دارالفنون، در اوایل جوانی وارد مدرسه نظامی شد و سپس به نیروهای قزاق پیوست. وی استعداد خاصی در امور نظامی داشت و همین موضوع باعث شد مورد توجه رضاخان قرار گیرد و جزو اولین افسران اعزامی به فرانسه از سوی رضاخان باشد. وی بعد از بازگشت به ایران بسرعت رشد کرد و به مقام ارتشبدی رسید و به عنوان یک نظامی موفق، مطرح شد؛ البته بسیاری نیز در واکاوی شخصیت وی، او را فردی جاه‌طلب و سودجو معرفی کرده‌اند و گفته‌اند که رزم آرا نمونه یک سیاستمدار فرصت‌طلب بود که توسل جستن به هر وسیله‌ای را برای رسیدن به هدف جایز می‌دانست. این خصوصیات اخلاقی باعث شد تا وی تنها به عرصه نظامی محدود نماند و مطامع خود را در عرصه سیاسی نیز دنبال کند. از قضا این موضوع مورد حمایت انگلیس نیز قرار گرفت و باعث شد تا در سال ۱۳۲۹ پست نخست‌وزیری را احراز کند.» برای انگلیسی‌ها رزم آرا خیلی بهتر از امثال مصدق بود. رزم آرا، منافع آنها را تامین می کرد و نمی گذاشت مشکل خاصی برای سودآوری‌شان در جنوب ایران به وجود بیاید. رزم آرا فهمیده بود که سه کشور انگلیس، آمریکا و شوروی تا ماجرای نفت به نفع شان تمام نشود، دست بردار نخواهند بود. او آمده بود تا با روحیه نظامی اش کار را یکسره کند و با تمام کردن ماجرای ملی شدن صنعت نفت و راضی کردن قدرت‌های بزرگ، قدرت و حاکمیت خودش را نیز به تثبیت برساند؛ اما محمد مصدق که مسیر حرکت نفتی دولت رزم آرا را انشناخته بود، سخنرانی سخت علیه او و اقدامات و تصمیماتش در مجلس انجام داد. این سخنرانی تاثیر عمیقی بر توانایی های دولت رزم آرا گذاشت. رزم آرا با وجود مخالفت‌ها، همچنان بسیار سرسختانه راه خود را پیش می‌برد تا اینکه اوج مخالفت‌ها در مجلس به استیضاح او کشیده شد. مخالفت بسیار شدید ۵ نفر از اعضای کمیسیون نفت مجلس شورای ملی با لایحه قرارداد «گس-گلشاییان» و انتقادات آنها، دولت رزم آرا برای رسیدن به اهداف نفتی اش با مشکلات جدی مواجه شد. اگر چه رزم آرا از اظهار نظر صریح در باره نفت خودداری می کرد و کمی عقب نشسته بود؛ اما پنهانی با انگلیسی‌ها بر سر نفت زد و بند می کرد. مصطفی فاتح در کتاب «پنجاه سال نفت ایران» آورده‌است: «رزم آرا از جمله شخصیت‌هایی بود که در اوج تلاش‌ها برای ملی کردن نفت، اقدام‌های زیادی برای ممانعت از این موضوع به نفع انگلیس انجام داد. از جمله این اقدامات، پیدا کردن راههایی برای تصویب قرارداد الحاقی بود که با مقاومت رهبران مذهبی و جبهه ملی مواجه شد. این شکست باعث شد تا رزم آرا مذاکرات پنهانی را با شرکت نفت انگلیسی آغاز کند. نورمان کمپ، خبرنگار روزنامه تایمز و نیوز کرانیکل لندن که در موقع خلع ید در آبادان بوده، متن یادداشت سفیر انگلیس به رزم آرا را در گزارش خود آورده است. او در رابطه با مذاکرات پنهانی رزم آرا و نارتکرافت نماینده شرکت گفته است، روزی به طور اتفاقی اطلاع یافتم که رزم آرا با نارتکرافت ملاقات داشته و از او خواهش کرده که به لندن رفته پنج میلیون لیره مساعده از شرکت برای دولت من (رزم آرا) تحصیل نماید.» بالاخره با بی توجهی‌ها و روحیه مستبدانه ای که رزم آرا داشت، جلسه استیضاح برگزار شد و نمایندگانی چون حسین مکی، الهیار صالح، حایری زاده، دکتر مصدق و ... سخنرانی ایراد کردند. انتقادها به رزم آرا بسیار سخت و جدی بود. رزم آرا نیز که گویی تازه از حال و هوای زد و بندهای پشت پرده با انگلیسی‌ها بیرون آمده بود به دفاع از «گس-گلشاییان» پرداخت. استیضاح بی نتیجه ماند؛ اما هویت خواهی ایرانیان در حوزه نفت در اوج خود نمایان شد. دیگر بحث ملی شدن صنعت نفت چیزی نبود که با بازی‌های پشت پرده و زد و بندهای سیاسی در این سفارتخانه و آن سفارتخانه پیش برود. سخنرانی های مختلف و آتشین مخالفان رزم آرا در مجلس کار خودش را کرده بود و راه چنان پیش می‌رفت که جز به ملی شدن صنعت نفت نمی توانست ختم شود.

ترور نخست وزیر

رزم آرا نتوانست شرکت نفت را راضی کند و در ۴ آذر سال ۱۳۲۹ کمیسیون نفت مجلس شورای ملی با لایحه «گس-گلشاییان» مخالفت کرد. این تصمیم در ۲۱ دی ماه نهایی شد و به تایید همه نمایندگان ملت رسید. اسنادی از رزم آرا و مذاکرات پشت پرده‌اش درباره نفت در مطبوعات آن زمان درج شد که موجبات خشم دولت را فراهم کرد. این خشم و عصبانیت تا به آن جایی بود که رزم آرا به دنبال انحلال مجلس رفت؛ اما برای این کار نیاز به موافقت پهلوی دوم بود. او موافقت نکرد و این کار را خام دستانه می دانست. در این باره در کتاب «مصدق و نبرد قدرت» نوشته محمدعلی همایون کاتوزیان آمده است: «ویژگی های شخصیتی رزم آرا نیز حاکی از روحیه مستبدانه و فرصت‌طلبانه او بود. رزم آرا از لحاظ هوش، خشونت، جسارت، بی رحمی، قاطعیت و درایت سیاسی نسخه دوم رضاخان محسوب می شد. او هم مانند رضاخان خود را ناسیونالیست می دانست... وی از دموکراسی و آزادی طبیعتاً بدش می آمد و می خواست قدرت فائقه و فردی خود را بر کشور مستولی کند... این ویژگی‌ها و البته اقدامات رزم آرا باعث شده بود شاه به او مظنون شده و تصور کند که او قصد کودتا دارد؛ البته تصورات شاه چندان هم اشتباه نبود و علاوه بر شاه، بسیاری از گروه‌ها از جمله جبهه ملی نیز او را متهم به کودتا می کرد؛ جبهه ملی دولت رزم آرا را دولت شبه کودتا نامید و خطر استقرار یک دیکتاتوری نظامی را اعلام کرد چون تصور می کردند رزم آرا خیلی زود مجلس را منحل کند». انگلیسی‌ها به طور مداوم از رزم آرا می‌خواستند که آتش ملی شدن صنعت نفت را در مجلس خاموش کند؛ اما این آتش امکان خاموش شدن نداشت و سرانجام رزم آرا را هم سوزاند. ۱۶ اسفند سال ۱۳۲۹ خلیل طهماسبی از فداییان اسلام رزم آرا را به جرم خیانت به ایران ترور کرد. در کتاب «موج نفت» در این باره آمده است: «خبر ترور رزم آرا در آن شرایط استثنایی که دولت وقت با تمام نیرو در برابر موضع ملی شدن نفت مقاومت می کرد، بسیار تکان دهنده و اعجاب آور به نظر می رسید. این واقعه در زمانی اتفاق افتاد که رزم آرا برای شرکت در مجلس ختم روانه مسجد شاه شده بود. نقشه ترور از سوی فدائیان اسلام طراحی شد... آن هم درست در زمانی که رزم آرا شانه به شانه «اسدالله علم» وزیر کار وقت وارد مسجد شد. انگیزه ترور از زبان طهماسبی این گونه بیان شده است: رزم آرا شخصی بود که در دوره نخست وزیری خود، ملت ایران را پیش دول اروپا پست و بی کفایت و بی کاره و عاری از قدرت معرفی نموده و آبروی ملت ایران را از بین برد. او کسی است که صراحتا بیان داشت ملت ایران قادر به ساختن «لولهنگ» نیست و یک کارخانه سیمان را نمی تواند اداره بکند». حرف‌های طهماسبی گویی که حرف ناگفته و گفته نمایندگان مجلس و ملت ایران بود. از این رو بسیاری از شخصیت‌های سیاسی کشور و نمایندگان ترور رزم آرا را طبیعی دانستند و نظر به بی گناهی طهماسبی داشتند. بنابراین در ۲۴ آبان سال ۱۳۳۰ خورشیدی به موجب ماده واحده‌ای که به تصویب مجلس شورای ملی رسید، رزم آرا مهدور الدم شناخته شد و خلیل طهماسبی نیز به آزادی رسید.

ایرانیان به آرزوی شان رسیدند

حالا که رزم آرا حذف شده بود همه چیز برای حرکت مجلس در مسیر ملی شدن صنعت نفت مهیا بود؛ البته برای خالی نبودن پست نخست وزیری، «حسین علاء» به این سمت رسید. فردای ترور رزم آرا کمیسیون نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را به اتفاق آرا تصویب و گزارش کار خود را به شرح زیر تقدیم مجلس شورای ملی وقت کرد: «نظر به اینکه ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت، پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد قبول کمیسیون قرار گرفت و از آنجا که وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست، کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید می‌نماید. بنابراین ماده واحده ذیل را با قید دو فوریت برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی می کند. ماده واحده: مجلش شورای ملی تصمیم مورخه ۱۳۲۹/۱۲/۱۷ کمیسیون مخصوص نفت را تایید و با تمدید مدت موافقت می‌نماید. تبصره ۱: آقایان نمایندگان حق دارند تا پانزده روز بعد از تشکیل کمیسیون حق حضور داشته باشند.» مجلس شورای ملی نیز در تاریخ ۲۹ اسفند همان سال پیشنهاد کمیسیون تخصصی نفت را به شرح ذیل تصویب کرد: «به نام سعادت ملت ایران و به منظور تامین صلح جهانی، امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می کنیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود، یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.»

ملی شدن در عرصه عمل

با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت، حالا دیگر کار برای حسین علاء خیلی سخت شده بود. او ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ کنار کشید و چنانچه انتظار می‌رفت، دکتر مصدق به مقام نخست وزیری رسید. حالا دیگر حرکت از میدان نظر به میدان عمل برای ملی شدن صنعت نفت بیش از آنچه انگلیسی‌ها گمان می کردند، هموار شده بود. مصدق کابینه خود را در تاریخ ۱۲ اردیبهشت معرفی کرد و بر اساس قانونی که به تصویب رسید، خلع ید از انگلیسی‌ها و ایرانی شدن صنعت نفت کشورمان رقم خورد. «قانون ۹ اردیبهشت‌ماه که عنوان رسمی آن «طرح قانونی دایر به طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور» بود، به طور مختصر به عنوان «قانون خلع ید» شناخته می‌شد. در کتاب «نگاهی به کارنامه دکتر محمد مصدق» نوشته جلال متینی آمده است: «مواد قانون خلع ید عبارت بودند از:

۱-به منظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ راجع به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، هیات مختلطی از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا، پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی با انتخاب هر یک از مجلسین و وزیر دارایی وقت یا قائم‌مقام او تشکیل می‌شود.

۲-دولت مکلف است با نظارت هیات مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری به عذر وجود ادعایی بر دولت معذور شود، دولت می تواند تا میزان ۲۵ درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره‌برداری برای تأمین مدعای احتمالی شرکت، در بانک ملی ایران یا بانک مورد رضایت طرفین ودیعه بگذارد.

۳-دولت مکلف است با نظارت هیات مختلط به مطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین دعاوی شرکت رسیدگی نموده و نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد که پس از تصویب مجلسین به‌موقع به اجرا گذاشته شود.

۴-از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که ملی شدن نفت به تصویب مجلس سنا نیز رسیده است، کلیه در آمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است.

۵-هیات مختلط باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیات عامله و هیات نظارتی از متخصصان پیش‌بینی شده باشد، تهیه و برای تصویب مجلسین پیشنهاد کند.

۶-برای تبدیل تدریجی متخصصان خارجی به متخصصان ایرانی، هیات مختلط مکلف است آیین‌نامه فرستادن عده‌ای محصل به طریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته‌های مختلف معلومات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورهای خارج را تدوین و پس از تصویب هیات وزیران به‌وسیله وزارت فرهنگ به‌موقع اجرا گذارد.

۷- خریداران محصولات از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده‌اند، می توانند از این به بعد هم به نرخ عادلانه بین‌المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند.

۸. کلیه پیشنهادهای هیات مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد به کمیسیون نفت ارجاع می‌گردد.

۹. هیات مختلط باید ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به کار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده هشت به مجلس تقدیم کند.»

اولین قدم با شکل‌گیری هیات مختلط آغاز شد. مجلس شورای ملی و سنا پس از شکل‌گیری ماده یک قانون ۹ ماده‌ای ملی کردن صنعت نفت، نمایندگان خود را برای تشکیل هیات مختلط انتخاب کردند. هیات مختلط طبق قانون، پنج نفر از مجلس شورا، پنج نفر از مجلس سنا و نیز وزیر دارایی و یکی از کارشناسان نفت را شامل می‌شد. اعضای هیات عبارت بودند از: متین دفتری، محمد سروری، حسین مکی، اللهیار صالح، نجم‌الملک، دکتر شفق، سهام‌السلطان بیات، دکتر شایگان، دکتر معظمی، وارسته وزیر دارایی و مهندس حبیبی کارشناس نفتی. در قدم دوم به دستور مصدق، انحلال شرکت نفت ایران و انگلیس اعلام شد و وی دستور تغییر نام از شرکت نفت ایران و انگلیس به «شرکت نفت سابق» را صادر کرد. در میان تنش‌های موجود، مصدق دستور ادامه اجرای قانون خلع ید را صادر کرد. هیات‌مدیره شرکت ملی نفت ایران در ۱۹ خردادماه به منظور اجرای قانون خلع ید عازم آبادان شد و ابلاغیه‌ای را صادر کرد که در آن متصدیان شرکت را به قبول دستور از این هیات فرا می‌خواند؛ همچنین یک روز پس از عزیمت به آبادان، پرچم ایران بر فراز ساختمان اداره مرکزی شرکت نفت در خرمشهر نصب شد.

عملیات خلع ید در فاصله ۳۰ خرداد تا ۱۲ تیر ابتدا در خوزستان انجام شد و بعد در کرمانشاه و نفت‌شهر و مراکز شرکت سابق نفت و پالایشگاه تهران. در میانه انجام عملیات مهندسان، کارمندان، کارشناسان و کارگران فنی انگلستان از قبول نظارت و سرپرستی آنان سرباز زدند و حسین مکی، نماینده تهران در مجلس شورای ملی و رئیس این هیات، تصمیم گرفت که همه آنان باید خاک ایران را ترک کنند».

هیات خلع ید در منطقه نفت خیز جنوب

منابع
۱-کتاب «موج نفت»، نوشته احمد راسخی لنگرودی
۲- کتاب «ایران بین دو انقلاب»، نوشته یرواند آبراهامیان
۳-کتاب «پنجاه سال نفت ایران»، نوشته مصطفی فاتح
۴-کتاب «مصدق و نبرد قدرت»، نوشته محمدعلی همایون کاتوزیان
۵-کتاب «نگاهی به کارنامه دکتر محمد مصدق»، نوشته جلال متینی